

135-137

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 135  
Chamber Two

پرونده شماره ۱۳۵

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۱۳۵ - ۲۱۸

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	19 MAR 1986 ۱۳۶۴ / ۱۲ / ۲۸
No.	135

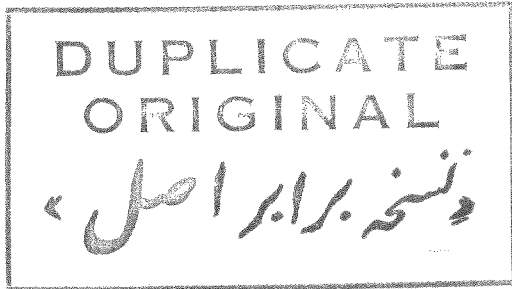
فلپس داچ اینترنشنال کورپوریشن،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.



حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای جوزف پی. گریفین

آقای مارک آر. جوئلسون

نمایندگان خواهان

آقای برایین ها روی

وکیل خواهان

آقای خولیو باگه

نایب رئیس

آقای کنت دبلیو. مک گرا

شاهد کارشناس از

استاندارد ردریسرچ کانسالتنتس

از جانب خواندگان: آقای محمدکریم اشراق

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای ابوالحسن محمدی  
آقای احمد قظینه  
آقای محمدعلی هدایتی  
مشاوران حقوقی نماینده رابط  
آقای ابوالفضل کوشی  
دستیار نماینده رابط  
آقای سیدجلال سیدی  
آقای محمود عبدلی  
آقای بهرام فخری  
نمایندگان بانک صنعت و معدن

سایر حاضران:  
آقای دانیل ام. پرایس  
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده  
خانم لوسی رید  
مشاور نماینده رابط  
خانم جین اچ چالمرز،  
ازا ورسیز پرایوت اینوسٹمنٹ کورپوریشن

اول - سوابق امر

۱ - خواهان، فلپس داج اینترنشنال کورپوریشن ("پی دی آی سی" یا "پدیک") یک شرکت ایالت دلهور از ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۸ آبانماه ۱۳۶۰) دادخواستی ثبت کرده، در آن از "ایران" به عنوان خواننده به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، نام برد. در دادخواست ادعا شده است که "ایران"، از طریق دولت ایران، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک ایرانیان، بنیاد مستضعفان، شرکت سهامی عام سیکاب ("سیکاب")، کمیته حمایت از صنایع کارخانه سیکاب و کمیته کارگری سیکاب پاره‌ای حقوق قراردادی متعلق به خواهان را نقض و آنرا مصادره نموده است. جمع خسارات درخواستی ۲،۲۸۴،۱۹۰/۸۰ دلار بوده و بعلاوه، بهره و هزینه نیز مطالبه شده است.

۲ - بانک تجارت، جانشین بانک ایرانیان، بنیاد مستضعفان، بانک صنعت و معدن، جانشین بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، سازمان صنایع ملی ایران، سیکاب، و کمیته حمایت صنایع کارخانه سیکاب (که مجتمعا "خوانندگان" خوانده می‌شوند) لوائح دفاعیه‌ای به ثبت رساندند. کمیته حمایت از صنایع کارخانه سیکاب همچنین ادعای متقابلی علیه پی دی آی سی بابت نقض قرارداد مطرح نمود و ضمن آن خواستار خساراتی حداقل به مبلغ ۱۰ میلیون دلار، گردید.

۳ - از جهت رسیدگی، پرونده حاضر با پرونده شماره ۹۹ که متضمن طرفها و واقعیت‌های مرتبط با یکدیگر است، تلفیق و جلسه استماعی در تاریخهای ۲۶ - ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵ (۵ - ۴ آذرماه ۱۳۶۴) برگزار شد.

## دوم - واقعیات و اظهارات

### الف - قراردادهای

۴ - در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۷۴ (۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۳) پی دی آی سی و سیکاب دو قرارداد راجع به احداث و بهره‌برداری از کارخانه‌ای جهت تولید سیم و کابل در شهرستان قزوین، منعقد ساختند. در یکی از قراردادهای که به "قرارداد کمک و آموزش فنی" موسوم است قید شده بود که پی دی آی سی در مورد روش‌های تولید و بازاریابی سیم و کابل مسی و آلومینیومی، به سیکاب نظر مشورتی داده و دانش فنی خود را در این زمینه در اختیارنا مبرده قرار خواهد داد. در قرارداد دوم، تحت عنوان "قرارداد مدیریت فنی" مقرر شده بود که پی دی آی سی امور فنی و اداری کارخانه سیکاب را در طول ساختمان و پس از شروع بهره‌برداری، اداره خواهد کرد.

۵ - دو قرارداد فوق‌الذکر بخشی از مجموعه قراردادهایی بود که از طریق آنها شرکت مادر پی دی آی سی، یعنی فلپس داج کورپوریشن ("پی دی سی") و چند سرمایه‌گذار مشترک دیگر، سیکاب را تأسیس نمودند. پی دی سی ادعای جداگانه‌ای علیه ایران، تحت پرونده شماره ۹۹ بابت مصدرة ادعائی ۱۹/۳۶ درصد حقوق مالی اش در سیکاب، به ثبت رسانده است.

۶ - به موجب قرارداد کمک و آموزش فنی، پی دی آی سی متعهد بود خدمات فنی متعددی را بر مبنای تقاضای سیکاب، در اختیارنا مبرده قرار دهد. این خدمات شامل آموزش کارکنان سیکاب در ادارات و کارخانه‌های پی دی آی سی در ایالات متحده و جاهای دیگر، اعزام کارکنان پی دی آی سی و شرکتهای مربوطه جهت استخدام در ایران به منظور ارائه مشاوره راجع به بهره‌برداری از کارخانه و آموزش سرپرستان، ارائه دانش فنی در مورد محصولات جدید و روش‌های مهندسی در صنعت سیم و کابل، ارائه اطلاعات مهندسی و سایر اطلاعات در خصوص تولید سیم و کابل، و برنامهریزی و ارائه مشاوره راجع به توسعه کارخانه‌ها بود. قرار بود موافقت‌نامه

به مدت ۱۵ سال از تاریخ اولین "تولید تجارتي" سیکاب، که رسماً توسط وزارت اقتصاد ایران تعیین می‌شود، ادامه یابد.

۷ - سیکاب قرار بود به دو طریق به پی دی آی سی حق الزحمه بپردازد. اولاً سیکاب موافقت کرده بود حقوق و هزینه‌های مربوطه پرسنل اعزامی پی دی آی سی به ایران جهت انجام وظایف مصرح در موافقت نامه پرداخته و هزینه آموزش پرسنل اعزامی سیکاب در تاسیسات مختلف پی دی آی سی را، به نامبرده مسترد نماید. ثانياً، سیکاب متعهد بود به مدت ۱۵ سال از تاریخ شروع اولین تولید تجارتي، هر شش ماه یکبار، حق الزحمه‌ای تحت عنوان حق الزحمه کمک فنی به پی دی آی سی بپردازد. سیکاب متعهد بود در سه سال اول تولید تجارتي، حق الزحمه‌ای بر مبنای ۱/۵ درصد کل فروش خالص خود، قبل از کسر مالیات به پی دی آی سی بپردازد. این حق الزحمه از سال چهارم تا پانزدهمین سال تولید تجارتي، به یک درصد تقلیل می‌یافت. حداکثر حق الزحمه قابل پرداخت سالانه ۴۰۰،۰۰۰ دلار بود.

۸ - طبق قرارداد مدیریت فنی، پی دی آی سی موافقت کرده بود که مدیریت فنی کارخانه را عهده‌دار شده، یک مدیر فنی مجرب پی دی آی سی را به عنوان مدیر فنی سیکاب تعیین و برخی دیگر از کارکنان خود را جهت کار در سیکاب اعزام نماید. سیکاب به نوبه خود متعهد بود حقوق و هزینه‌های پرسنل اعزامی پی دی آی سی به سیکاب را بپردازد. بخش ۶ قرارداد مدیریت فنی به شرح زیر مقرر می‌داشت:

حقوق یا سایر اجرتها، از جمله هزینه کلیه مزایای جنبی آنها و دیگر هزینه‌ها، از جمله هزینه سفر، تغییر محل، مسکن، ماوریت خارج از کشور، و سایر مزایای متعلقه به کلیه کارمندان ما مور خدمت در ایرانکو در ایران، یا بر اساس موقت یا بر اساس دائم بموجب این قرارداد توسط ایرانکو (سیکاب) پرداخت خواهد شد. (به نقل از لایحه فارسی خواهان).

۹ - سیکاب همچنین متعهد بود (در خاتمه قرارداد) در امر بازگشت پرسنل پی دی آی سی و اثاث و لوازم شخصی آنها، کمک نماید. بخش ۱۱ قرارداد

بدین شرح مقرر می‌داشت که :

به هنگام انقضای این قرارداد در موعد مقرر به نحو مشروح در بخش ۱۲ این سند، یا در صورت فسخ این قرارداد به هر دلیلی که در بخشهای ۱۰ و ۱۳ این سند ذکر شده، ایرانکو (سیکاب) کلیه کمکهای لازم را به پدیک خواهد کرد تا پدیک رئیس فنی و کارمندان دیگر خود را که توسط پدیک ما مور خدمت در (سیکاب) شده‌اند، یا خانواده‌ها و لوازم شخصی آنان را از ایران خارج کند و (سیکاب) هزینه بازگشت اینگونه کارمندان و خانواده‌های آنها و لوازم شخصی آنان را به کشور مبدأ تادیه خواهد کرد. (به نقل از لایحه خواهان).

۱۰ - بخش ۱۰ مقرر می‌داشت که "اگر تاسیسات ایرانکو (سیکاب) ملی بشود و یا قوه قهریه‌ای پیش آید که ادامه عملیات تولیدی ایرانکو (سیکاب) را به نحوی غیر متعارف برای پدیک (پی دی آی سی) شاق بسازد، پدیک حق خواهد داشت در هر زمان با تسلیم اخطار کتبی سه (۳) ماهه‌ای به ایرانکو این قرارداد را فسخ کند". (به نقل از لایحه خواهان). بخش ۱۳ مقرر می‌نمود که در صورتیکه قرارداد کمک و آموزش فنی فسخ شود، قرارداد (مدیریت) نیز خود بخود فسخ خواهد شد، و بعلاوه مقرر می‌نمود که به مجرد فسخ قرارداد، به موجب بخشهای ۱، ۱۲ و ۱۳، سیکاب مسئول پرداخت مبالغی خواهد بود که، طبق ماده ۶ به پی دی آی سی لازم‌التأدیه است. قرارداد کمک و آموزش فنی حاوی هیچگونه قید مشابهی که فسخ قرارداد مدیریت خود بخود بدان سرایت یا بد، نبود. تنها قید مربوط به فسخ در آن موافقت نامه، مقرر می‌داشت... در صورتیکه کارخانه سیکاب پس از احداث و بهره‌برداری متوقف شود و کار تولید محصولات مسی و آلومینیومی را کلاً متوقف سازد، آنگاه این قرارداد بدون ایجاد هیچگونه مسئولیتی برای طرفین فسخ خواهد شد..."

ب - تعلیق و فسخ قراردادها

۱۱ - اجرای دو قرارداد فوق‌الذکر، بدون اختلاف عمده‌ای تا پایان سال ۱۹۷۸، که انقلاب ایران شدت گرفت، ادامه یافت. ادله و مدارک حاکی است که اعتصابات موجب گردید که ساختمان و بهره‌برداری از کارخانه سیکاب دچار وقفه شود و ضمناً "چندتن از کارکنان پی‌دی‌آی سی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. در دسامبر ۱۹۷۸ خواهان بعنوان مقابله با اوضاع و احوال خطرناکی که از نظرو روی در آن هنگام در ایران وجود داشت، کارکنانش را موقتاً "از ایران خارج و به بمبئی درهند، منتقل کرد. پی‌دی‌آی سی در نامه مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۴ آذر ماه ۱۳۵۷) خود به آقای باقربادر، مدیر سیکاب که در عین حال معاون ارشد مدیرعامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران نیز بود، توضیح داد که نگرانی بابت امنیت جانی کارکنانش باعث شده است که آنها را از ایران خارج سازد، و خاطرنشان ساخت که:

در حالیکه در این موقع قرارداد مدیریت فنی را فسخ نمی‌کنیم ولی مایلیم که شما بدانید تحت شرایط فعلی ایران نمی‌توانیم طبق قرارداد مذکور عمل نموده و یا کمکهای فنی را در ایران انجام دهیم. (نقل از لایحه خواهان).

۱۲ - در ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷)، پی‌دی‌آی سی رسماً "قرارداد مدیریت فنی را فسخ و نیز بلافاصله قرارداد کمک و آموزش فنی را بحالت تعلیق درآورد. نامه‌ای بدین منظور تهیه و به وسیله پیک هوایی ارسال شد، که در قسمت ذیربط آن چنین آمده است:

این نامه در حکم اطلاعیه رسمی فسخ قرارداد مورخ ۵ ژوئن ۱۹۷۴ مدیریت فنی فیما بین فلپس داج اینترنشنال کورپوریشن (پی‌دی‌آی سی) و شرکت سهامی سیکاب می‌باشد. به محض دریافت این نامه توسط شما و به شرح مقرر در ماده ۱۰ قرارداد، فسخ قرارداد در سمیت می‌یابد.

این نامه همچنین به منزله اطلاعیه کتبی تعلیقی  
قرارداد مورخ ۵ ژوئن ۱۹۷۴ کمک و آموزش فنی  
فیما بین پی دی آی سی و سیکاب، می باشد.

این اقدامات در نامه ای بتاريخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (سوم بهمن ماه ۱۳۵۷)  
به عنوان آقای برادر، مجدداً "تائید شد". پی دی آی سی دستور داد که  
کارکنان وی تا تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) ایران را ترک  
کنند.

۱۳ - در پاسخ به نامه مورخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ پی دی آی سی، آقای برادر طی نامه  
مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) اعلام کرد "زاینکه تصمیم به  
فسخ هر دو قرارداد مدیریت فنی و کمک و آموزش فنی گرفته اید، متأسفم". در نامه  
همچنین ذکر شده بود که "به نظر ما جریان فعلی حوادث اقدام یکجانبه از طرف شما  
را توجیه نمی نماید و لذا از شما می خواهیم در اقدامات متخذ خود تجدید  
نظر نمایید".

۱۴ - پی دی آی سی اظهار می دارد که پس از خروجش از ایران نیز، همچنان در اجرای  
درخواستهای متفرقه سیکاب، گاه به گاه به راه مشاوره و کمک فنی از طریق تلفن  
یا تلکس ادامه می داد. طرفین در مورد وضعیت بهره برداری از سیکاب در  
هنگام خروج خواهان از ایران اختلاف نظر دارند، لیکن وضعیت دقیقی  
بهره برداری از کارخانه، ارتباطی با هیچ یک از موضوعات مطروح در پرونده  
حاضر ندارد.

### ج - ملی شدن ها و آثار اجرای قانون حمایت صنعتی

۱۵ - در هنگام خروج خواهان از ایران، اکثریت سهام سیکاب متعلق به شرکتهای  
خصوصی و اشخاص حقیقی بود و توسط مدیران و هیئت مدیره مورد تائید این قبیل  
سرمايه گزاران خصوصی، اداره می شد. این سرمايه گزاران از جمله عبارت



بودند از: پی دی سی ، آ / اس نوردیسکه کابله - اوگ تراد فابریک -  
("ان کی تی") یک موسسه دانمارکی سازنده سیم و کابل، بانک توسعه صنعتی  
ومعدنی، بانک ایرانیان وعده ای ایرانی، از جمله اعضای خانواده ثابت .  
این وضعیت بزودی تغییر یافت . در رابطه با مالکیت ، به نظر می رسد که  
دولت ایران به موجب قانون مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۷ ملی شدن بانکها و  
قانون مورخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۷ مربوط به حمایت از صنایع ایران، دارائیهای  
بانک توسعه صنعتی ومعدنی، بانک ایرانیان وسها مداران ایرانی عمده  
سیکاب ، از جمله اعضای خانواده ثابت را ، ملی اعلام وسهام گروه اخیر را به  
بنیاد مستضعفان منتقل کرد .

۱۶ - در مورد اختیارات مدیریت ، چنین به نظر می رسد که هیئت حمایت از صنایع  
از نوامبر ۱۹۸۰ ، یا در آن حدود ، مدیریت سیکاب را به دست گرفت .  
هیئت مرکب است از نمایندگان پنج سازمان مختلف دولت ایران . هیئت در  
تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ (پنجم آبان ماه ۱۳۵۸) تصمیم گرفت که بانک صنعت  
ومعدن وسازمان صنایع ملی ایران راجهت اداره کارخانه سیکاب منصوب  
نماید . این دستور ظاهرا " تا ۱۵ نوامبر ۱۹۸۰ (۲۴ آبان ماه ۱۳۵۹)  
اعلام نشد .

#### د - ادعا

۱۷ - ادعای مورد بحث در این پرونده شامل دو ادعای فرعی است . اولاً " خواهان  
مبلغ ۲۱۹،۴۶۶/۳۰ دلار بابت صورتحسابهای پرداخت نشده ای که بموجب  
قرارداد مدیریت فنی یا قرارداد کمک وآموزش فنی برای سیکاب ارسال داشته  
بود، مطالبه می کند . خواهان نسخ ۸۴ فقره صورتحساب را به ثبت رسانده که  
دارای تاریخهای از اواسط ۱۹۷۸ تا اوایل ۱۹۸۱ بوده ، وشامل چهار گروه کلی  
هزینه ، به شرح زیر است : (۱) حقوق، فوق العاده ها وهزینه های مربوط ، (۲)  
فروش وتحویل کالا به سیکاب وهزینه های متحمل از جانب سیکاب، (۳) هزینه های

آموزشی، و (۴) هزینه‌های مراجعت پرسنل. ادعای مزبور علیه سیکاب که دیون ادعائی را نپرداخته، ونیز علیه ایران که سازمانها و نهادهای وی حسب ادعا در پرداخت دیون مداخله و از اجازه تادیه آنها خودداری کردند، مطرح شده است.

۱۸ - شایاناً، خواهان مبلغ ۲،۰۶۴،۷۲۴/۵۰ دلار بابت ارزش ادعائی فعلی و تنزیل شده حق الزحمه کمکهای فنی که حسب ادعا می‌بایست در طول ۱۵ سال عمر قرارداد کمک و آموزش فنی دریافت کند، مطالبه می‌نماید. خواهان اولاً "مدعی است که خودداری مداوم سیکاب از قبول و تصدیق حقوق و تعهدات مستمر طرفین طبق قرارداد کمک فنی در حکم فسخ آن قرارداد توسط سیکاب و نقض پیشاپیش و با قصد قبلی حقوق پی‌دی‌آی سی در آن قرارداد، می‌باشد".

۱۹ - خواهان، ادعای خود را بنحو تخییری و بر مبنای فرضیه سلب مالکیت علیه دولت ایران مطرح کرده است. خواهان بدو "اظهار داشته که اوضاع ناامن در ایران در هنگام خروج خواهان، ناشی از اعمال و اقداماتی بوده که "به تحریک و تشویق و با اجازه و مساعدت و تأیید ایران صورت گرفته و ایران از آن اقدامات بهره‌برداری کرده است" و لذا آن اوضاع قابل انتساب به دولت ایران بوده و نامبرده بابت آنها مسئول است. در این رابطه، خواهان ادعا می‌کند که استمرار شرایط ناامن مورد بحث مانع شده و کماکان مانع از آنست که وی پرسنل خود را جهت انجام وظایف طبق قرارداد کمک و آموزش فنی به ایران اعزام نموده و ایشان را در آنجا نگهدارد و لذا حقوق وی نسبت به ارائه خدمات و دریافت حق الزحمه کمک فنی "بر اثر اقدامات ایران در تشویق و تداوم بخشیدن به این شرایط ناامن، عملاً" نقض شده است. علاوه بر این، در دادخواست خواهان ادعا شده است که ایران محدودیتهایی وضع و اقداماتی بعمل آورده بود که مانع پرداخت حق الزحمه‌های کمک فنی پی‌دی‌آی سی می‌شد، از جمله، ولی بدون قیدانحصار، پاره‌های محدودیتهای ارزی و مصوبات مربوط به ثبت

دیون و بدهیها، که این اقدامات به خودی خود موجب نقض و تضییح حقوق پی دی آی سی نسبت به حق الزحمه های کمک فنی گردید. این اقدامات بنا به اظهار خواهان، منجر به آن شد که از حقوق مالکانه با ارزش خواهان که به صورت حق الزحمه های پیش بینی شده در قرارداد کمک فنی برای پی دی آی سی در نظر گرفته شده بود، بدون اینکه فرامتی دراز آء آن پرداخت شود، سلب مالکیت به عمل آید.

۲۰ - خواهان، در لایحه خود، استدلال خویش در مورد سلب مالکیت را تا حدودی دقیق تر مطرح ساخته و اظهار می دارد که "سلب مالکیت از سرمایه گذاری پی دی آی سی در سیکا ب، الزاما" به معنی سلب مالکیت همزمان از حق پی دی آی سی نسبت به دریافت حق الزحمه طبق قرارداد کمک (و آموزش) فنی... است". خواهان مبلغ مدعا به را معادل ارزش کامل حقوق مالکانه صادره شده اش قرار می دهد که به نظری ضابطه فرامت مقرر در عهدنا مه مودت، یعنی عهدنا مه حاکم بر سرمایه گذاری ایالات متحده در ایران، و نیز ضابطه مقرر در حقوق بین الملل عرفی است. خواهان حقوق مالکانه خود را از نوامبر ۱۹۸۰ که تاریخ ادعائی سلب مالکیت است، ارزش گذاری می کند.

۲۱ - خوانندگان ایرادات مختلفی راجع به صلاحیت، و نیز دفاعیاتی در ماهیت دعوی مطرح می سازند. خوانندگان بدوا "به صلاحیت دیوان نسبت به ادعا ای براد می گیرند. در مورد ادعای مربوط به صورت حسابها، خوانندگان اظهار می دارند که سیکا ب یک شرکت خصوصی است که تحت کنترل ایران نیست. در مورد ادعای مربوط به حق الزحمه کمک فنی، خوانندگان، همچنین ادعا می کنند که اقدامات مورد شکایت، اساسا "شامل ایجاد شرایط نا امن برای کارکنان پی دی آی سی در نیمه آخر سال ۱۹۷۸ است و این اقدامات به اظهارنا میردگان به موجب بند ۱۱ (د) بیانیه عمومی از صلاحیت دیوان مستثنی شده است."<sup>(۲)</sup>

---

(۱) عهدنا مه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی - مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۳) ایالات متحده - ایران، 8 U.S.T. 900, T.I.A.S. No. 3853  
که در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۳۵) به مورد اجرا درآمد.

(۲) بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و

۲۲ - راجع به ماهیت دعوی، بانک تجارت، بنیاد مستضعفان و بانک صنعت و معدن، که همگی به علت قوانین ملی شدن که در فوق ذکر شد، سهامدار سیکاب شدند، اظهار می‌دارند که به عنوان سهامدار مسئول دیون شرکت نیستند.

۲۳ - در مورد ادعای مربوط به صورت حسابها، خوانندگان مضافاً " استدلال می‌کنند که فقط مبلغ ۱۸۰،۹۷۰/۹۵ دلار از صورت حسابها تسویه نشده که از آن مقدار فقط رقم ۴۰،۷۳۲/۰۸ دلار را می‌پذیرند. معذک، خوانندگان توضیح نمی‌دهند که کدام یک از صورت حسابها را قبول دارند و کدام را قبول ندارند و یا دلیلی برای رد صورت حسابها، به استثنای صورت حسابهای مربوط به هزینه‌های عزیمت، ارائه نمی‌دهند. خوانندگان منکر آنند که خواهان حقی نسبت به دریافت وجه این صورت حسابها داشته باشد، به این دلیل که در قرارداد مدیریت فنی مقرر شده که این قبیل هزینه‌ها فقط در هنگام فسخ قرارداد قابل پرداخت است، و فسخ قرارداد نیز بنوبه خود مستلزم آن بود که از سه ماه قبیل، اخطار کتبی داده شود. خوانندگان متذکر می‌شوند که هیچگونه اخطار کتبی از قبیل داده نشده و هزینه‌های مورد ادعا پیش از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) صورت گرفته است. ثانیاً، خوانندگان مدعی اند که سیکاب به موجب قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌ها، در طول مدتی که هیئت حمایت، کنترل کارخانه را به دست دارد، از پرداخت بدهیها ممنوع می‌باشد. ثانیاً، خوانندگان استدلال می‌نمایند که پرداخت صورت حسابها به علت کنترل‌های ارزی ایران ممنوع بوده است.

---

#### دنباله زیرنویس شماره (۲)

مردمی الجزایر راجع به حل و فصل دعاوی توسط دولتین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران. قسمت ذریبض ماده ۱۱ بیانیه، ایالات متحده را ملزم می‌سازد که تمام ادعاهای مطروح توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده در رابطه با: (الف) دستگیری ۵۲ نفر اتباع ایالات متحده در ۱۳ آبانماه ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹)، (ب) توقیف دستگیرشدگان، (ج) خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت آمریکا در تهران بعد از ۱۲ آبانماه ۱۳۵۸ (۳ نوامبر ۱۹۷۹)، و (د) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها را در نتیجه جنیشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، پس گرفته طرح آنها را ممنوع سازد. بند ماده ۱۱ بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای موصوف در ماده ۱۱ بیانیه (عمومی) را، از صلاحیت دیوان مستثنی نموده است.

۲۴ - در رابطه با ادعای مربوط به حق الزحمه کمکهای فنی، خوانندگان دودفاع عمده مطرح می‌سازند. ایشان، اولاً " ادعا می‌کنند که قرارداد مدیریت فنی و قرارداد کمک و آموزش فنی آنچنان بهم پیوسته‌اند که فسخ اولی توسط خواهان، تلویحاً " بمعنای فسخ قرارداد دوم نیز می‌باشد. ثانیاً، " خوانندگان اظهار می‌دارند که کارخانه سیکاب هرگز تولید تجاری را آنطور که در قرارداد کمک و آموزش فنی تعریف شده، آغاز نکرد و لذا تعهد سیکاب نسبت به پرداخت حق الزحمه کمکهای فنی هنوز شروع نشده است.

#### ه - ادعای متقابل

۲۵ - در ادعای متقابل مطروح توسط " کمیته حمایت صنعتی کارخانه سیکاب "، ادعا شده است که پی دی آی سی با فراخواندن پرسنلش از ایران قرارداد کمک فنی را نقض کرده و آنسرا من غیر حق به حالت تعلیق در آورده است. کمیته حمایت اظهار می‌دارد که این تعلیق طبق قرارداد مجاز نبوده، و در واقع، اقدامات پی دی آی سی در حکم فسخ عمدی قرارداد بوده است. بالنتیجه، به گفته کمیته حمایت، نصب ماشین-آلات در کارخانه سیکاب به تاخیر افتاد و پارهای تکنولوژی های تولید منتقل نشد، که این خود منجر به ورود زیانهای متجاوز از ۱۵ میلیون دلار گردید. کمیته حمایت، ظاهراً " شاخه ای از هیئت حمایت صنعتی می‌باشد.

۲۶ - خواهان به اهلیت کمیته حمایت، که بعنوان خواننده طرف دعوی واقع شده، جهت ثبت ادعای متقابل ایراد گرفته و در مقام دفاع نسبت به ماهیت ادعای متقابل دیگر، اظهار می‌دارد که (۱) پی دی آی سی کلیه خدمات مقرر طبق قرارداد کمک و آموزش فنی را، غیر از مواردی که به علت عدم پرداخت حق الزحمه توسط سیکاب، یا اقدامات غیرقانونی ایران، یا به وسیله فورس ما ژور، از اجرای آنها ممنوع و متعذر گردیده، انجام داده است، (۲) پی دی آی سی قرارداد را فسخ نکرده، (۳) کمیته کارخانه سیکاب متحمل هیچگونه خسارتی که پی دی آی سی بابت آن قانوناً " مسئول باشد، نشده است، و (۴) بخش ۱۵ قرارداد، طرح ادعای

(۳)  
متقابل را ممنوع ساخته است .

سوم - دلایل حکم

الف - صلاحیت

(۱) تابعیت خواهان

۲۷ - پی دی آی سی ادلسه ومدارکی ارائه نموده که دیوان را به قدر کافی متقاعد ساخته که نامبرده در کلیه مواقع ذریط، تبعه ایالات متحده به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی بوده، از سال ۱۹۶۶ طبق قوانین ایالات دله ورتا سیس گردیده و دایر بوده، همواره شرکت فرعی تما ما " متعلق به پی دی سی بوده، یعنی شرکتی که خود، طبق قوانین ایالات نیویورک در سال ۱۸۸۵ تاسیس یافته و از آن تاریخ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ۱۳۵۹)، یعنی تاریخی که ادعا به وجود آمد، همچنان دایر بوده است، و در طول این مدت، اشخاص حقیقی که شهروند ایالات متحده بوده اند، حقوق و علایقی معادل پنجاه درصد یا بیشتر از پنجاه درصد سهام سرمایه ای پی دی سی را در اختیار داشته اند.

(۱) صلاحیت نسبت به خوانندگان

۲۸ - هیچگونه اختلافی در این مورد نیست که کلیه اشخاص (حقوقی) که در دادخواست از آنها بعنوان خواننده نام برده شده، و همچنین اشخاص حقوقی دیگری که اقدام به ثبت دفاعیه نموده اند، غیر از سیکاب، واحدهای تحت کنترل دولت ایران در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، هستند. خوانندگان منکر

---

(۳) بخش ۱۵ مسئولیت پی دی آی سی را طبق قرارداد به "زیان یا خسارتیکه عامدا" توسط پی دی آی سی یا هر یک از شرکتهای وابسته یا کارکنان مربوطه آنان وارد شده باشد"، محدود ساخته است .

آنند که سیکاب تحت کنترل دولت است، لکن دیوان به نتیجه‌ای مخالف ادعای خواندگان رسیده است.

۲۹ - ادله و مدارک نمایانگر آنست که از زمان صدور مصوبات ملی شدن در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۹، موسسات و سازمانهای دولت ایران، از جمله بانک صنعت و معدن، سازمان صنایع ملی ایران و بنیاد مستضعفان مجموعاً " بیش از ۶۰ درصد سهام سیکاب را مالک شدند. دیوان قبلاً" نظر داده است که اگر دولت یکی از کشورهای طرف دعوی بصورت غیر مستقیم مالکیت سهامی را توسط سایر دستگاههای تحت کنترل خود در دست داشته باشد، کنترل وی بر سهام قابل احراز بوده، لزومی ندارد که مستقیماً " سهام را در دست داشته باشد. رجوع شود به ایکانامی فورمزود دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۱ - ۱۶۵ - ۵۵، صفحات ۱۱ - ۱۰ (انگلیسی) (۱۴ ژوئن ۱۹۸۳ / ۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۲). و همچنین رجوع شود به آلترا سیستمز اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۳ - ۸۴ - ۲۷، صفحات ۹ - ۸ (انگلیسی) (۴ مارس ۱۳/۱۹۸۳ اسفند ماه ۱۳۶۱). در هر مورد که مالکیت شامل اکثریت سهام واجد حق رای شرکت گردد، دولت علی القاعده شرکت را تحت کنترل دارد.

۳۰ - علاوه بر این، انتقال اختیارات مدیریت در نوامبر ۱۹۸۰، از هیئت مدیره منتخب سیکاب به سهامداران بانک صنعت و معدن و سازمان صنایع ملی، گسه هر دو جزو تشکیلات دولت هستند، این مطلب را مسلم ساخت که ایران سیکاب را تحت کنترل دارد. در این رابطه، دیوان خاطر نشان می‌سازد که خواندگان در دادخواست خود تصدیق می‌کنند که سیکاب برای مدت محدودی تحت کنترل دولت

---

(۴) در قرار اعدادی شماره ۱ - ۱۳۴ - ۵۴ (۱۷ سپتامبر ۲۶/۱۹۸۵ شهریور ماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده‌های ایت اینترنشنال و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، دیوان داوری نظر داده که "بنیاد مستضعفان یک دستگاه تحت کنترل دولت ایران بوده و می‌باشد".

قرار گرفته است " و بانک صنعت و معدن "طبق اختیارات تفویضی از طرف هیئت حمایت از صنایع"، به تعیین مدیر اقدام نموده است. صرف نظر از اینکه آیا این تفویض اختیارات مدیریت توسط دولت ایران و نصب مدیران در حکم سلب مالکیت هست یا نه، اینگونه اقدامات به روشنی دلالت بر کنترل دارد. برای مثال: رجوع شود به: ریگوا گنرایکویپمنت کامپنی و استار لاین کامپنی، حکم شماره ۳ - ۱۷ - ۲۰، صفحات ۵ - ۶ - ۱۵ (دسامبر ۲۴/۱۹۸۲ آذرماه ۱۳۶۱) (ارائه دلیل مبنی بر اینکه خواننده تحت اداره اشخاص منصوب توسط یک مرجع دولتی بوده و نه تحت اداره مدیر عامل و هیئت مدیره مورد نظر خود، علی الظاهر، دلیل بر اینست که خواننده تحت کنترل دولت ایران قرار داد)، رکسنورد اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳ - ۱۳۲ - ۲۱، ص ۸ (انگلیسی) (۱۰ ژانویه ۲۰/۱۹۸۳ دیماه ۱۳۶۱) ("مدارک و اسناد... به وضوح نشان می دهد که... اختیار نصب و عزل مدیران و روسای مسئول... با دولت ایران... بوده است... "با توجه به این امر، و صرف نظر از اینکه دو شرکت مذکور عملاً" توسط دولت ایران، ملئ یا مصادره شده اند یا خیر، دیوان داری بر این نظر است که (خوانندگان) هر دو واحدهای تحت کنترل دولت ایران هستند"). با توجه به مراتب بالا، دیوان نتیجه می گیرد که سیکاب واحد تحت کنترل دولت ایران در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی است.

### (۳) صلاحیت رسیدگی به موضوع دعوی

۳۱ - ادعای مربوط به صورتحسابهای خواهان را می توان یا به عنوان ادعای دیسن و یا ادعای نقض قرارداد، توصیف کرد. بهمین نحو، ادعای وی بسبب حق الزحمه های کمک فنی را، می توان یا ادعای نقض قرارداد و یا ادعای سلب مالکیت توصیف نمود. کلیه انواع دعوی بالا "ناشی از دیون، قراردادها... سلب مالکیت ها و یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" بوده و لذا در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند. بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی.



۳۲ - گرچه در دادخواست، دولت ایران، مقصر شناخته شده و ادعا شده که قسمتی از این تقصیر به خاطر ایجاد و تمدد و امت بخشیدن به شرایط ناامن است، با این حال هیچکدام از دعاوی متکی به اثبات چنین تقصیری نیست. لذا، دیوان لازم نمی‌داند به این اظهار خوانندگان بپردازد که ادعاها به موجب بند ۱ ماده ۱۱ بیانیه عمومی خارج از حیطه صلاحیت دیوان است.

#### (۴) ادعای متقابل

۳۳ - ادعای متقابل کمیته حمایت صنعتی کارخانه سیکاب مربوط به قرارداد کمک و آموزش فنی بوده و بدینسان ناشی از "همان قرارداد، معامله یا رویدادی است که موضوع ادعا را تشکیل می‌دهد". از اینرو، ادعای متقابل مزبور در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد. بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی راجع به این استدلال خواهان که کمیته فاقد اهلیت اقدام ادعا است، به این دلیل که خواننده موسوم در پرونده نیست، دیوان داوری متذکر میشود که کمیته در حال حاضر سیکاب را تحت کنترل داشته، بنا بر این حق داردا ز جانب سیکاب، و یا اصالتاً "به عنوان سیکاب اقدام به ثبت دفاعیه و ادعای متقابل بنماید.

#### ب - ماهیت دعوی

#### (۱) حق الزحمه کمکهای فنی

۳۴ - همانطور که در بالا اشاره شد، خواهان دو فرضیه حقوقی در تائید ادعای خود بابت حق الزحمه کمکهای فنی مطرح می‌سازد. اولاً "خواهان اظهار می‌دارد که سیکاب من غیر حق قرارداد کمک و آموزش فنی را فسخ و پیشاپیش و با قصد قبلی آنرا نقض کرد. ثانیاً"، خواهان استدلال می‌نماید که دولت ایران با ممنوع ساختن پی دی آی سی از ادامه اجرای قرارداد و سلب مالکیت از علایق وی در

سیکاب ، حقوق پی دی آی سی نسبت به قرارداد کمک فنی را صادر کرده است .  
به دلایل مشروح در زیر ، دیوان هیچ یک از این تئوریها را متقاعد  
کننده نمی یابد .

۳۵ - اولین تئوری خواهان راجع به مسئولیت مبتنی بر این فرض است که سیکاب  
به طور صریح یا ضمنی قرارداد کمک و آموزش فنی را لغو کرده است . معهدا ، ادله  
و مدارک پرونده این فرض را تأیید نمی کند . به عکس ، مدارک حاکیست که  
پی دی آی سی در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ ( ۱۵ دیماه ۱۳۵۷ ) قرارداد را به  
حالت تعلیق در آورده و هیچ یک از طرفین خواه به طور صریح و خواه به طور ضمنی ،  
اقدامات قاطعی جهت رفع این تعلیق یا فسخ قرارداد به عمل نیاورد .

۳۶ - خواهان در تأیید موضع خود قویاً " به نامه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹ ( ۴ بهمن  
ماه ۱۳۵۷ ) آقای برادر استناد می کند که در آن از تصمیم پی دی آی سی دایر  
بر فسخ هر دو قرارداد مدیریت فنی و کمک و آموزش فنی ، اظهار تاسف شده است .  
معدلک ، با توجه به درخواست آقای برادر در همان نامه ، مبنی بر اینکه  
پی دی آی سی در تصمیم خود تجدید نظر نماید ، مشکل بتوان اظهارات آقای برادر  
راجع به اقدامات پی دی آی سی را فسخ قرارداد توسط سیکاب تلقی کرد .

۳۷ - علاوه بر این ، خواهان با این اظهار که نامه ماه ژانویه ۱۹۷۹ دلالت بر فسخ  
قرارداد توسط سیکاب دارد ، و این ادعا که قرارداد در بهار سال ۱۹۷۹ بواسطه  
نحوه عمل طرفین از حالت تعلیق درآمد ، دچار تناقض گوئی شده است . چنانچه  
قرارداد در بهار سال ۱۹۷۹ نافذ و معتبر بوده ، نمی توانسته در ابتهای  
آن سال لغو شده باشد .

۳۸ - اقدام خواهان به اثبات ادعای خود به نحو تخییری بر این مبنا که سیکاب  
قرارداد را پس از بهار سال ۱۹۷۹ نقض یا فسخ کرده نیز فاقد مدارک موید است .  
تنها مدرک مورد استناد راجع به نحوه عمل طرفین که مستدلاً دلالت بر این دارد  
که قرارداد از حالت تعلیق درآمد بوده ، شهادت آقای خولیو باگه ، نایب

رئیس پی دی آی سی است مبنی بر اینکه در تاریخ پس از مارس ۱۹۷۹ ، پی دی آی سی در مورد فروش ماشین آلات متعلق به سیکاب که در فرانسه انبار شده بود ، به سیکاب کمک کرده است . معذک ، این رویداد نیز به تنهائی قاطع و تعیین کننده نیست و به زحمت می تواند مستند نوعی رفتار معمول طرفین باشد ، ماهیت کمک ارائه شده را می توان صرفاً " نوعی کمک توسط یک سهامدار عمده توصیف کرد و قطعاً " از مقوله کمک هائی که در قرار داد پیش بینی شده ، نیست . در این رابطه ، دیوان داوری خاطر نشان می سازد که در صورت جلسه مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۷۸ ( ۵ تیرماه ۱۳۵۷ ) هیئت مدیره سیکاب ، به اقداماتی اشاره شده است که جهت فروش دستگاه های واقع در اروپا به عمل آمده و نیز به درخواست هائی که از فلپس داچ و ان کی تی جهت کمک در فروش آنها صورت گرفته است . مشارکت ان کی تی با این اظهار خواهان که اقدامات پی دی آی سی به موجب قرارداد کمک و آموزش فنی انجام گرفته منافات دارد ، زیرا که ان کی تی هیچگونه تعهد مشابهی نداشته است .

۳۹ - بعلاوه ، پی دی آی سی که قرارداد را کتبا " به حالت تعلیق درآورد ، بقدر کافی توضیح نداده که چرا کتبا " نیز از آن رفع تعلیق نکرد . مضافاً این اظهار خواهان که قرارداد از سر گرفته شد ، متضمن این فرض است که خواهان در آن هنگام قادر بوده تعهدات خود بابت قرارداد کمک فنی را بطور کامل اجرا نماید . در رابطه با این توضیح پی دی آی سی ، دیوان تردید دارد که وی می تواند تعهدات قراردادیش را با ارائه کمک از طریق تلکس یا تلفن بطور کافی ایفا نماید . چنانچه این اظهار صحیح باشد ، اصولاً " دلیلی برای تعلیق قرارداد توسط پی دی آی سی وجود نداشته است . خواهان که خود عامل تعلیق قرارداد بوده ، نمی تواند بدون اینکه حداقل ثابت کند که وی بعداً " تعلیق را رفع شده تلقی کرده و مراتب را به سیکاب اطلاع داده ، مدعی نقض قرارداد توسط سیکاب شود . پرونده فاقد ادله مثبت این ادعا است .

۴۰ - مطلب دیگری که خواهان ضمن ادعای خود عنوان کرده ، یعنی نقض پیشا پیش قرارداد نیز، بهمان اندازه غیرقابل قبول است . تنها مورد نقض قابل ادعا ، عدم پرداخت حق الزحمه کمک فنی توسط سیکاب است . معذک ، این نقض ادعائی نیز موقعی اتفاق افتاد که قرارداد در حالت تعلیق بود . بعلاوه ، نحوه رفتار خود خواهان با این موضع وی که قرارداد از حالت تعلیق درآمده ، و حق الزحمه ها لازم التادیه شده بوده ، منافات دارد . چنانچه خواهان معتقد بود که حق الزحمه ها قابل پرداخت است ، منطقا " میبایست صورت حساب این قبیل حق الزحمه ها را برای سیکاب میفرستاد و یا پیش از ثبت ادعایش در دیوان ، تسویه آنها را تقاضا می کرد . مدرکی راجع به اینکه خواهان چنین اقدامی کرده باشد ، وجود ندارد .

۴۱ - استدلالات خواهان بر مبنای تئوریهای سلب مالکیت و مداخله در حقوق قراردادی نیز ، به دلایل مشابه مردود است . تعلیق قرارداد توسط پی دی آی سی هم به منزله تعلیق تعهدات وهم به منزله تعلیق حقوق قراردادی اوست . هر حق که نامبرده طبق قرارداد داشته ، منوط به رفع تعلیق بوده و رفع تعلیق به تحقق نپیوسته است . گرچه این استدلال خواهان که سلب مالکیت از علایق پی دی آی سی در سیکاب ، الزاما " در حکم سلب مالکیت از حقوق پی دی آی سی در رفع تعلیق و آغاز وصول حق الزحمه های کمک فنی صادره شده بوده ، با اینحال نتیجه گیری دیوان غیر از این است . حقوق قراردادی پی دی آی سی وابسته به حقوق پی دی سی به عنوان سهامدار ، نبوده است . بنا بر این ، هرگونه ملی شدن یا سلب مالکیت از علایق پی دی سی بعنوان سهامدار ، فی نفسه پی دی آی سی را از حق خود نسبت به حق الزحمه های کمک فنی محروم نمی سازد

#### (۲) ادعای مربوط به صورت حسابها

۴۲ - همانطور که در بالا اشاره شد ، ادعای خواهان در مورد صورت حسابها کلا " شامل

چهار دسته هزینه کلی است. صورت حسابها شامل صورت حسابهای  
بدهکار به مبلغ ۳۴۲،۳۰۷/۵۲ دلار و صورت حسابهای بستانکار به مبلغ  
۱۲۲،۸۴۱/۲۲ دلار بوده و خالص مانده بدهی ۲۱۹،۴۶۶/۳۰ دلار می باشد. خوانندگان  
در مقام دفاع، هرگونه دین بابت کلیه صورت حسابها را، به استثنای  
صورت حسابهای نامشخصی به ارزش ۴۰،۷۳۲/۰۸ دلار، کلاً منکر نشده، لکن  
ایراداتی نسبت به مبالغ مورد ادعا بابت هزینه های مراجعت پرسنل مطرح  
می کنند. در رابطه با صورت حسابهای که خوانندگان ایرادات مستدلی راجع  
به آن مطرح نساخته اند، چنانچه علی الظاهر معلوم شود که صورت حساب معتبر  
و قابل پرداخت است، مسئولیت ایشان محرز خواهد بود. ذیلاً هر دسته  
از صورت حسابها، بطور مجزا مورد تجزیه و تحلیل واقع می شود.

#### (الف) حقوق، مزایا و هزینه های مربوطه

۴۳ - این دسته از صورت حسابها شامل حقوق و مزایای کارکنان ماورپی دی آی سی  
در سیکاب، و هزینه انتقال آنان به ایران و هزینه نگهداری لوازم و اثاث  
شخصی آنهاست که به ایران برده نشده است. به طور کلی، این هزینه ها مشمول  
بخش ۶ قرارداد مدیریت فنی بوده، لذا سیکاب مسئول پرداخت آنهاست.<sup>(۵)</sup>  
معهدا، پاره ای از این صورت حسابها به وضوح خارج از حیطه شمول بخش ۶  
قرار می گیرند، به این دلیل که به هزینه های مربوط می شوند که مشمول  
این بخش نیست، و یا به این دلیل که متضمن هزینه های است که پس از فسخ  
قراردادها صورت گرفته است.

۴۴ - در این رابطه، دیوان داوری متذکر می شود، با وجودیکه پی دی آی سی  
قرارداد را در ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) فسخ کرد لکن کماکان  
صورت حسابهای بابت حقوق برخی از پرسنل ماور خود در سیکاب بابت

---

(۵) رجوع شود به صفحه ۵ بالا،

۵ ژانویه بعد، برای سیکاب می‌فرستاد. گرچه پی دی آی سی از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) ارسال صورت حساب بابت حقوق و هزینه‌های اغلب کارکنانش را متوقف ساخت، با اینحال همچنان به ارسال صورت حساب بابت هزینه کارکنانی که گرچه درسامبر ۱۹۷۸ از ایران خارج شده بودند، ولی تا مدتی بعد رسماً "از سیکاب استعفا نکردند، ادامه داد." این کارکنان عبارت بودند از: آقای باوئر، مدیرعامل سیکاب و آقای ویکراما سوریا، مدیر مالی سیکاب. آقایان باوئر و ویکراما سوریا به ترتیب در ۹ آوریل و ۱۲ فوریه ۱۹۷۹ (۲۵ فروردینماه ۱۳۵۸ و ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷) از سیکاب استعفا نمودند و پی دی آی سی بابت حقوق آنان تا تاریخهای یادشده به سیکاب صورت حساب داد.

۴۵ - دیوان داوری دلیلی نمی‌یابد که این گونه مطالبات مربوط به بعد از تاریخ فسخ قرارداد را مجاز شمرد و لذا این قبیل صورت حسابها را مردود می‌شناسد. به مجرد فسخ قرارداد، سیکاب از تعهد خود طبق بخش ۶ مبنی بر بازپرداخت هزینه‌های متحمل بابت سیکاب به پی دی آی سی، مبری گردید. بنابراین، پس از تاریخ فسخ قرارداد هیچگونه ادعائی بابت حقوق و هزینه‌های مربوطه بر مبنای قرارداد، قابل طرح نیست. گرچه می‌توان دعوائی بر مبنای دارا شدن بلاجهت مطرح ساخت، به شرط آنکه پی دی آی سی بتواند ثابت کند که افراد مورد بحث پس از فسخ قرارداد خدماتی برای سیکاب انجام داده‌اند که سیکاب از آن متنفع گردیده، لکن دلیل و مدرکی در این باب ارائه نشده است. علیهذا، کلیه صورت حسابهای مربوط به حقوق، مزایا و هزینه‌های مربوطه که بعد از ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) صورت گرفته و کلاً" بالغ بر ۳۶،۷۴۴ دلار است، مردود شناخته می‌شود.

(۶) صورت حسابهای که کلاً" یا بعضاً" شامل این هزینه‌هاست، عبارتند از صورت حسابهای

زیر:

۶۳۷۱ - ۸۵ (که با ارسال صورت حساب بیستانکا شماره ۶۵۴۹ - ۸۵ اصلاح گردید)، ۶۴۰۳ - ۸۵، ۶۴۷۲ - ۸۵، ۶۵۱۵ - ۸۵، ۶۵۴۸ - ۸۵، ۶۶۰۷ - ۸۵، ۶۹۳۸ - ۸۵ و ۶۹۳۹ - ۸۵.

۴۷ - این دسته از صورتحسابها عمدتاً " شامل ملزومات و خدماتی است که توسط پی دی آی سی در ایالات متحده برای سیکاب خریداری شده ، و نیز شامل برخی هزینه های متحمل شده توسط پرسنل ما مور پی دی آی سی در سیکاب است . صورتحسابهای گروه اول همگی مربوط به هزینه های متحمل شده در سال ۱۹۷۸ است . هیچگونه دلیل و مدرکی نیست که سیکاب به این گروه صورتحسابها ایراد گرفته باشد و لذا دیوان نتیجه می گیرد که سیکاب متعهد به پرداخت آنهاست . پاره ای از صورتحسابهای گروه دوم دارای همان اشکالی است که در بخش (الف) بالا بحث شد ، زیرا بابت مسافرتها ای است که پس از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ ( ۱۵ دیماه ۱۳۵۷ ) ظاهراً " به خاطر سیکاب صورت گرفته است . دوفقره صورتحساب که متضمن هزینه سفر متحمل شده توسط آقای دبلیو . باوئرس در مارس و آوریل ۱۹۷۹ است جزو این گروه قرار می گیرند . این صورتحسابها ( به شماره های ۶۴۹۵ - ۸۵ و ۶۵۴۶ - ۸۵ ) نیز که جمعاً " به ۴,۱۰۰ دلار ، بالغ می شوند ، به دلایل مشروح در فوق باید مردود شناخته شوند .

#### (ج) هزینه های آموزشی

۴۸ - صورتحسابهای مورد بحث که شامل هزینه های متحمل شده توسط پی دی آی سی در دوره اوت ۱۹۷۸ لغایت دسامبر ۱۹۷۸ جهت آموزش برخی از کارکنان ایرانی سیکاب است ، به وضوح در حیطه شمول بخش ۶ قرار داد کمک و آموزش فنی قرار می گیرد . بدین جهت ، دیوان سیکاب را بابت آنها متعهد می شناسد .

#### (د) هزینه های بازگشت پرسنل

۴۹ - ادعای مربوط به هزینه های بازگشت عمدتاً " شامل صورتحسابهای است بابت هزینه های نقل و انتقال متحمل شده توسط پرسنل ما مور پی دی آی سی در سیکاب و خانواده های آنان ( شامل بلیط هواپیما ، حمل اثاث شخصی و بیمه ) ، و صورتحسابهای بابت " خسارات ارزی " متحمل شده توسط این افراد بابت تبدیل

وجوه ریالی خود به دلار در ایالات متحده، به نرخ ظاهراً " پائین تر از نرخ تبدیل رایج در ایران . هزینه های سفر عموماً " مربوط به مسافرت های است که در سال ۱۹۷۸ صورت گرفته، یعنی زمانیکه پرسنل پی دی آی سی تهران را به قصد بمبئی ترک گفتند تا نهایتاً " به موطن خود در ایالات متحده و جاهای دیگر، بازگردند. از سوابق پرونده دقیقاً معلوم نیست که بابت چه قسمتهائی از این مسافرتها صورت حساب برای سیکاب ارسال شده. معیضاً، مشخص است که صورت حسابها شامل حداقل یک فقره صورت حساب بابت دو هفته اقامت در هتل در بمبئی است، به مبلغ ۱،۱۷۲/۵۰ دلار که آقای ام. فلدستاین متحمل آن شده است (صورت حساب شماره ۶۴۸۷ - ۸۵).

۵۰ - همانطور که اشاره شد، خوانندگان انکار می کنند که خواهان حقی بابت هرگونه هزینه مراجعت بموجب قرارداد مدیریت فنی دارد، زیرا، که ایمن قبیل هزینه ها بعضاً "، پیش از فسخ قرارداد توسط پی دی آی سی صورت گرفته، و نیز بدین علت که قرارداد بدون دادن اخطار کتبی سه ماهه لازم، فسخ شده است.

۵۱ - دیوان داوری برای این نظر است که پی دی آی سی حق دارد کل مبلغ مورد مطالبه بابت هزینه بلیط هواپیما و نقل مکان را دریافت کند، لیکن استحقاقی بابت خسارات ارزی و هزینه های مربوط به دو هفته اقامت در بمبئی ندارد. رای دیوان اینست که طبق بخش ۱۱ قرارداد مدیریت فنی، اخطار کتبی سه ماهه، یک شرطی تعلیقی نبوده که تعهد سیکاب بابت بازپرداخت هزینه های مراجعت منوط بدان باشد. به هر صورت، دیوان معتقد است که خواهان بابت خروج از ایران و ندادن اخطار کتبی سه ماهه مبنی بر فسخ قرارداد، مبری از مسئولیت است زیرا این هر دو معلول شرایط فورس ماژور حاکم در آن وقت در ایران بوده و به روشنی هم بوضع پرسنل خواهان وهم بر عملیات سیکاب تأثیر می گذاشته است، مقایسه شود با گولدمان رکتینگ اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی ایران، قرار اعدادی شماره ۲ - ۴۹ - ۲۴، ص ۱۱ (انگلیسی) (۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ / ۵ مرداد ماه ۱۳۶۲).



۵۲ - در صورت نبود شرط قراردادی مخالف، هزینه‌های متحمل‌ناشی از فورس ما ژور عموماً " در مسئولیت طرفی است که آنرا متحمل می‌شود، که البته عموماً " این امر منوط به نظر منصفانه دیوان بوده و قرارداد باید به عنوان چارچوب و ملاک مراجعه، مورد استفاده قرار گیرد. کوئینز آفیس تا وراسوشی ایتس ه هواپیمائی ملی ایران، ص ۱۴ (انگلیسی)، حکم شماره ۱ - ۱۷۲ - ۳۷ (۱۵ آوریل ۱۹۸۳ / ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۲)، گولد مارکتینگ اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵ - ۴ (انگلیسی) حکم شماره ۲ - ۴۹/۵۰ - ۱۳۶ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ / ۸ تیرماه ۱۳۶۳). با اعمال این قاعده، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که هرگونه هزینه متحمل‌توسط خواهان در بمبئی در انتظار پایان یافتن دوره فورس ما ژور، که تنها صورت حساب مربوط به آن ظاهراً " همان صورت حساب هتل است، بر عهده خودوی خواهد بود. معذک، به مجرد اینکه این شرایط فورس ما ژور منجر به فسخ واقعی قرارداد مدیریت فنی شد، سیکاب به موجب بخش ۱۱ قرارداد ملزم به پرداخت هزینه‌های مراجعت می‌شود، که الزاماً " هزینه‌های سفرونقل و انتقال را، صرف نظر از اینکه چه موقع صورت گرفت، در بر می‌گیرد.

۵۳ - مورد حاضر از پاره‌ای جنبه‌های اساسی با پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز اینکورپوریتد و سازمان صنایع ملی مس ایران، حکم شماره ۱ - ۱۱۱ - ۱۹۴ (۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ / ۱۸ مهرماه ۱۳۶۴) تفاوت دارد. در پرونده اخیر الذکر، دیوان ادعای پاره‌ای هزینه‌های مراجعت را که پس از منجر شدن شرایط فورس ما ژور به فسخ قرارداد، صورت گرفته بود، مردود شمرد. قرارداد مورد بحث در اینجا صریحاً " مقرر می‌دارد که طرف ایرانی باید هزینه‌های مراجعت را بپردازد. در پرونده اینترنشنال اسکولز، قرارداد حاوی هیچ شرط صریحی راجع به تقسیم مسئولیت بابت این قبیل هزینه‌ها نیست. بعلاوه، دیوان متذکر می‌شود که قسمت اعظم هزینه‌های مراجعت پی دی آی سی، برخلاف اسکولز، پیش از تاریخ لغو قرارداد صورت گرفته است.

۵۴ - معذک ، دیوان دوفقره صورتحساب (به شماره های ۶۴۰۸ - ۸۵ و ۶۵۸۸ - ۸۵) راکه شامل هزینه های انبارداری اموال دوتن از کارکنان بابت ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) ببعده است ، غیر ضروری دانسته ، مردود می شمارد . جمع مبلغ این صورتحسابها ۵۳۶/۲۸ دلار می باشد .

۵۵ - در رابطه با ادعای خسارات ارزی ، دیوان براین نظراست که این قبیل خسارات رابطه بسیاربعیدی با مراجعت دارند ، به طوریکه نمی توان آنها را هزینه های مراجعت تلقی کرد . لذا ، صورتحسابهای این قبیل هزینه ها ، که جمعا " ۵۷۳/۱۱ (۷) دلار بالغ می گردد ، مردود شناخته می شوند .<sup>(۸)</sup>

(ه) - نتیجه گیری

با توجه به مراتب بالا ، ادعای مربوط به صورتحسابهای خواهان که جمعا " به ۲۱۹،۴۶۶/۳۰ دلار بالغ می شود ، باید به میزان مبالغ مردود دانسته شده ، یعنی معادل ۵۰،۵۹۵/۵۱ دلار ، کاهش داده شود . خواننده ، سیکاب متعهد به پرداخت ۱۶۸،۸۷۰/۷۹ دلار بقیه است .

(۷) شامل مبالغ مندرج در صورتحسابهای شماره ۶۴۸۷ - ۸۵ و ۶۸۳۱ - ۸۵ است ، منهای مبالغی که طبق صورتحساب شماره ۶۷۱۸ - ۸۵ به استانکار حساب منظور شده است .

(۸) گرچه آقای باوئر ، مدیر عامل وقت سیکاب که در عین حال کارمند پی دی آی سی نیز بوده ، ظاهرا طی نامه مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۷ بهمن ماه ۱۳۵۷) و یادداشت مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۵ بهمن ماه ۱۳۵۷) پرداخت " این خسارات " را اجازه داده بود ، با اینحال دیوان براین نظراست که در آن برهه از زمان ، آقای باوئر (بدلیل تصدی هر دو سمت) به وضوح دچار تضاد منافع بوده است . لذا ، هرگونه اجازه پرداخت خارج از حیطه قراردادهای موجود ، می بایست به تصویب هیئت مدیره سیکاب می رسید .

(ج) ادعای متقابل

۵۶ - ادعای متقابل کمیته حمایت صنعتی کارخانه سیکاب بابت نقض قرارداد کمک و آموزش فنی، متکی براین نظر است که خواهان، پی دی آی سی قرارداد را فسخ کرده است. دیوان در بخش سوم (ب) (۱) بالا، نظر داد که قرارداد مذکور هرگز فسخ نشده، بلکه همچنان در حالت تعلیق می باشد. علاوه بر این، دیوان نظر داد که خروج خواهان از ایران و لذا تعلیق قرارداد، به علت شرایط فورس ما ژور حاکم در ایران در آن هنگام، موجه بوده است. در رابطه با استدلال خواننده، مبنی بر اینکه فسخ قرارداد مدیریت فنی، الزاما " متضمن فسخ قرارداد کمک و آموزش فنی نیز بوده است، دیوان فقط یادآور می شود که گرچه قرارداد مدیریت فنی حاوی یک قید سزایت فسخ است. با این حال قرارداد کمک و آموزش فنی شامل چنین قیدی نیست. لذا، طرفین به طور ضمنی چنین پیش بینی کرده بودند که لغو قرارداد مدیریت فنی، فی نفسه منجر به لغو قرارداد کمک و آموزش فنی نمی شود. به هر صورت، خواننده دلیل و مدرکی در تائید ادعای خسارتش ارائه نداده است. از این رو، دیوان ادعای متقابل را در ماهیت مردود می شناسد.

چهارم - بهره

۵۷ - با توجه به تعداد کثیر صورت حسابهای مورد اختلاف در این پرونده، خواهان از نظر تسهیل امر، بابت کلیه مبالغ فقط از نوامبر ۱۹۸۰ بهره مطالبه می کند. گرچه تعدادی از صورت حسابها پس از آن تاریخ صادر شده، با این حال اکثریت آنها پیش از تاریخ مذکور صادر گردیده و دیوان ادعای بهره را از تاریخ اول نوامبر ۱۹۸۰ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۹) می پذیرد. دیوان، مضافاً " براین نظر است که نرخ بهره ساده به میزان ۱۱/۲۵ درصد در سال نرخ مناسبی است.

پنجم - هزینه‌ها

۵۸ - هر طرف هزینه‌های داوری خویش را متحمل خواهد شد.

ششم - حکم

۵۹ - به دلایل مذکور در فوق، بدینوسیله دیوان حکم بشرح زیر صادر می‌کند:

( الف ) جمهوری اسلامی ایران، به دلیل کنترل شرکت سهامی عام سیکاب، متعهد است بابت ادعای صورت حساب‌ها مبلغ یکصد و شصت و هشت هزار و هشتصد و هفتاد دلار و هفتاد و نه سنت آمریکا (۱۶۸،۸۷۰/۷۹ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۱/۲۵ درصد در سال (۳۶۵ روز) از تاریخ اول نوامبر ۱۹۸۰ (۱۰ آبانماه ۱۳۵۹) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان، فلیس داچ اینترنشنال کورپوریشن بپردازد.

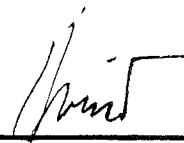
( ب ) ادعای مربوط به حق الزحمه‌های کمک فنی و ادعای متقابل بابت نقض قرارداد کمک و آموزش فنی، در ماهیت رد می‌شوند.

( ج ) هر طرف هزینه‌های داوری خویش را متحمل خواهد شد.

( د ) تعهد مذکور در فوق از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفا خواهد شد.

( ه ) حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی، به ریاست دیوان تسلیم می شود.

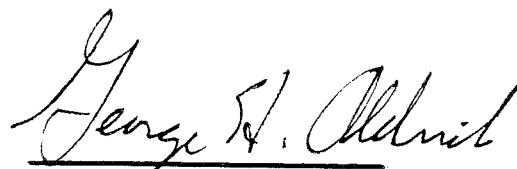
لاهد، به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۸۶ برابر با ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۴

  
\_\_\_\_\_  
روبرت بریر  
رئیس شعبه دو

به نام خدا

  
\_\_\_\_\_

حمید بهرامی - احمدی  
موافق با قسمتی و مخالف با قسمت دیگر

  
\_\_\_\_\_

جرج اچ. آلدریج